

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تجزیه و ترکیب آیات ۴۰ الی ۴۴ سوره مبارکه معارج

• فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَنَأْقَادِرُونَ (۴۰)

۱. نوع فاء در "فلا اقسام"

▪ قسم، انشاء است و اگر عطف خبر انشاء را جاز ندانیم، فاء، را استینافیه می گیریم و سببیت ماقبل نسبت به ما بعد به این نحوه است که وقتی ما شما را از تقریبا هیچ (یک قطره آب) آفریدیم پس این سبب می شود که ما بتوانیم دوباره آنها را در قیامت برگردانیم و نه تنها آنها را بلکه کسانی بهتر از آنها را جایگزین آنها کنیم.

۲. نوع "لا" در "لا اقسام"

▪ قبلا ذیل آیه ۳۸ سوره مبارکه حاقه از آن بحث کردیم:

▪ در آنجا گفته شد: «در این "لا" اختلاف است :

۱. برخی قائلند که نافیه است و نفی آنچه کفار ادعا می کرده اند آمده است و آن ادعا که در سوره های قبل آمده این است که آنها می گفتند که این سخنان اجنه است که به پیامبر می گویند و او به زبان می آورد...

۲. برخی قائلند که نافیه است و قسم را نفی می کند به خاطر عظمت مقسم به را رساندن؛ مانند: لا اقسام بواقع النجوم انه لو تعلمون قسم عظیم؛ اما اینجا این مقصود بعید است.

۳. برخی قائلند لای زائده برای تأکید مضمون جمله است...

۴. برخی قائلند لای نافیه شبه زائده است که عرب برای تحقیق و تأکید مطلب اینگونه قسم می خورد مثل اینکه در فارسی می گویند نذار قسم بخورم به خدا یا نمی خوام قسم بخورم که...»

۳. نقش جمله "إِنَّا لَقَادِرُونَ"

▪ جمله جواب قسم

• نکته: جواب قسم اگر منفی باشد مقرون به چیزی نمی شود اما اگر مثبت باشد:

۱. اگر اسمیه باشد: غالبا با اِنَّ و لام ابتداء در مابعدش می آید(وجود یکی از

آندو لازم است) که در اینجا با هر دو آمده است.

۲. اگر فعلیه باشد

۱. اگر ماضی باشد: غالباً مقرون به لام و قد می گردد.
۲. اگر مضارع باشد: غالباً مقرون به لام و نون تأکید می گردد.

• **عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱)**

۴. بررسی فعل "بَدَّل"

▪ دو مفعولی و از افعال تصییر است و مفعول اولش محذوف و مفعول دومش "خیراً" می باشد.

• نکته: تعریف افعال تصییر

▪ افعالی هستند که به معنای تحویل و گردانیدن هستند و دو مفعولشان در اصل مبتدا و خبر بوده است.

▪ عبارتنند از: جَعَلَ، رَدَّ، تَرَكَّ، اِتَّخَذَ، تَخَذَ، صَيَّرَ، وَهَبَ و بَدَّلَ

▪ مثال

اِتَّخَذَ اللهُ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا

۵. معنای "من" در "خیراً منهم"

▪ "مِنْ" بعد از افعال تفضیل "تفضیلیه" نام دارد که در معنای آن اختلاف است: برخی مانند ابن مالک قائلند که برای مجاوزه است (یعنی مثلاً در مثال زیدٌ اعلم من عمرو: یعنی زید در علم از عمر گذر کرده) و مشهور قائلند برای ابتدای غایت است یعنی مثلاً در مثال: «زیدٌ اعلم من عمرو»: یعنی ارتفاع علم زید از غایت علم عمرو شروع شده است.

۶. نقش جمله "و ما نحن بمسبوقین"

▪ مسبوقین به معنای مغلوبین است و این جمله عطف بر جواب قسم است و عبارة اخرايي از آن است بنابر عطف تفسیر است.

• **فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ (۴۲)**

۷. نوع فاء در "فذرهم"

▪ استینافیه است و سببیت ما قبل نسبت به مابعد از این جهت است: حالا که ما بر تبدیل آنها قادریم و مغلوب کسی نخواهیم شد پس دیگر آنها را به حال خودشان واگذار و نگران نباش زیرا خدا بر آنها غالب است.

۸. نقش جمله "يخوضوا"

▪ جواب شرط محذوف و محلی از اعراب ندارد زیرا یکی از جملاتی که محلی از اعراب ندارد جمله جواب شرط غیر مقرون به فاء است. اما کلاً جمله شرطیه می تواند استینافیه باشد و می تواند حال از ضمیر مفعولی در "فذرهم" باشد.

۹. ترکیب "حَتَّى يَلَاقُوا"

▪ حَتَّى جازّه است برای انتهای غایت و در متعلق آن دو احتمال است:

۱. ذرهم

۲. يَخْضُوا و يَلْعَبُوا

▪ نکته: خلاصه بحث حَتَّى در مغنی: حَتَّى بر سه وجه در کلام عرب استعمال شده است:

۱. جازّه

۱. بر سر اسم مفرد

▪ به معنای انتهای غایت و غالباً غایت داخل در حکم مغنی است.

۲. بر سر فعل

▪ غالباً بر سر فعل مضارع

در این صورت منصوب به آن مقدره شده و به یکی از سه

معنای زیر می آید:

۱. غالباً

• به معنای انتهای غایت

۲. قليلاً

• به معنای تعلیل

• به معنای استثناء

۲. عاطفه

▪ در این صورت به معنای واو عاطفه است و مابعد را شریک ماقبلش در

حکم قرار می دهد و دلالت بر اضعف یا اقوی بودن مابعدش در حکم

منتسب به ماقبلش می کند.

۳. ابتدائیه

▪ در این صورت مابعدش را جمله استینافیه قرار می دهد و دلالت بر ترتب به

معنای مسبب بودن مابعد از ماقبل می کند.

۱۰. معنای "یوعدون" از لحاظ زمان

▪ ماضي استمراري است زیرا "كانوا" بر سرش در تقدیر است.

• **يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۴۳)**

۱۱. نقش "يوم" در "يوم يخرجون"

▪ بدل از "يوهم" در آیه قبل

۱۲. تجزیه و بررسی لغوي و ترکیب "سراعا"

▪ سِرَاع جمع سریع است و سریع صفت مشبیه است از فعل سَرِعَ، يَسْرِعُ، سَرَاعَةً و سُرْعَةً

۱۳. نقش جمله "كأنهم إلى نصب يوفضون"

▪ جمله حالیه از فاعل در "يخرجون"

۱۴. بررسی "نصب"

▪ جمع نَصِيب به معنای منصوب است به معنای سنگ هایی که به جایی نصب می شد و آن

را می پرستیدند و بر رویش قربانی می کردند (ما ذبح علی النصب)

• **خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَاكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)**

۱۵. خبر "ذلک"

▪ "الذی" است و اما "الیوم" بدل از "ذلک" می باشد.